

## درآمد

بر پایه آگاهی‌های موجود، چنین به نظر می‌رسد که پس از تألیف این کتاب، تنها کسی که از این کتاب آگاهی داشته و از آن بهره گرفته، صاحب روضات الجنات بوده است. ایشان نسخه‌ای از این کتاب را در دست داشته و در چندین مورد در اثر سترگ خود، از آن بهره گرفته است. ایشان بر اساس همین کتاب، شرح حالی از مؤلف را در کتاب خویش آورده است.<sup>۱</sup>

شیخ آقا بزرگ نیز بر اساس آگاهی‌هایی که صاحب روضات از این کتاب درباره مؤلف و دیگران به دست داده، از آن استفاده کرده است.<sup>۲</sup> مرحوم همایی نیز که از روضات با نام این کتاب آشنا شده در جایی نوشته است: بنده سال‌هاست که با حرص و ولع هرچه تمام‌تر در جست‌وجوی کتاب ملامحمد زمان بوده و متأسفانه تاکنون اثری از آن نیافته‌ام.<sup>۳</sup> به هر روی پس از صاحب روضات کسی از این کتاب آگاه نشده تا آنکه جناب ایرج افشار نسخه‌ای از کتاب را در کتابخانه دولتی آلمان یافتند. کتاب مزبور در فهرست پرچ معرفی شده بوده است. ایشان بر اساس آن نسخه، شرحی از آگاهی‌های تاریخی این کتاب و نیز فصول و مواد آن نوشته، و مقاله خود را در عامری نامه منتشر کردند.<sup>۴</sup> از این اثر فیلمی در دانشگاه تهران و

---

۱. روضات الجنات، ج ۳، ص ۳۵۰، ش ۳۰۵.

۲. ذریعه، ج ۲، ص ۲۳۰؛ ج ۶، ص ۴۳، ۲۳۸؛ ج ۷، ص ۱۳۹؛ ج ۱۰، ص ۱۱۷؛ ج ۱۳، ص ۹۷، ۳۰۰؛ ج ۱۶، ص ۱۴۲؛ ج ۲۱، ص ۱۹.

۳. مقالات ادبی، ج ۱، ص ۱۰۸.

۴. عامری نامه، ص ۱۷۳-۱۸۳.

کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی موجود است که چاپ حاضر بر اساس آن صورت گرفته است. به سخن دیگر، اساس آماده سازی کتاب حاضر، تنها همان نسخه آلمان بوده و مصحح نسخه دیگری از این کتاب را نیافته است.

### درباره مؤلف

آنچه از مؤلف می دانیم، آگاهی هایی است که خود او در کتاب فرائد درباره خویش به دست می دهد. وی نام خود را محمد زمان بن کلبعلی تبریزی دانسته و در جایی گفته است که جدش توسط شاه عباس دوم «جد مؤلف را نیز از تبریز، مکرر به اردوی معلی طلب فرموده صحبت داشته اند.» وی در جای دیگر نیز به تبریزی بودن خود اشاره کرده و درباره بلاد خود چنین اظهار نظر کرده است: «و جماعت بعضی از بلاد نیز استعدادشان بیشتر است از بعضی از بلاد دیگر. و سید جلیل الشان شارح صحیفه سجّادیه، سید علی خان - علیه رحمة الرحمن - ایامی که وارد اصفهان گردیدند، این فقیر به زیارت ایشان رفتم؛ اجازه ای که غیاث الدین منصور شیرازی از برای پدرش نوشته بوده به تقریبی برای فقیر خواندند و در آنجا کمال تعریف از جهت مردم تبریز و سایر بلاد آذربایجان کرده بود.»

وی در چندین مورد از شیخ خود مطالبی نقل کرده است که با توجه به آنچه در برخی از حواشی آمده، مقصودش علامه مجلسی است. محمد زمان در تألیف این اثر بهره فراوانی از بحار برده و گرچه تنها در یک مورد از این کتاب یاد کرده، اما نقل ها و توضیحاتی که در ادامه آنها آمده نشان می دهد که از برخی از کتاب ها، به توسط بحار نقل کرده است. وی در مورد دیگر از آقا جمال خوانساری مطالبی نقل کرده و در آنجا نیز به عنوان «شیخ» از او یاد کرده است. مطلبی که او نقل کرده، با آنچه در شرح غرر و درر آمدی، از آقا جمال آمده، کاملاً تطبیق می کند. در مورد دیگری در حاشیه کتاب، از شیخ جعفر قاضی نیز به عنوان استاد خویش یاد کرده است. به نقل برخی دیگر، از دیگر اساتید وی محمد صالح خاتون آبادی بوده است.

محمد زمان ساکن مدرسه شیخ لطف الله اصفهانی بوده و اساساً کتاب حاضر را در ادامه

دستور شاه برای تعمیر مسجد و مدرسه مزبور تألیف کرده است. وی در این باره می‌گوید: «از آن جمله در این جزو زمان سعادت توأمان فرمان قضا جریان شرف نفاذ پذیرفت به نام نامی صوفی زاده قدیمی خاندان ولایت‌نشان و فدوی صمیمی دودمان خلافت بنیان، فارس میدان بسالت و شهامت، صاحب لوای عزت و کرامت، محاسن و محامد اطواری، توفیق آثاری، محمد قلی بی‌کا خلف صدق نواب مرحوم میروار المنتقل الی جوار الله الغفور محمد مؤمن خان اعتمادالدوله سابق، که به خلوص نیت و صافی طویت از همه ایستادگان بساط بانسباط مجلس جنت بنیان و محفل بهشت‌نشان شرف امتیاز و اختصاص یافته، همواره اباً عن جد، و صاغراً عن کابر، در میدان جانفشانی و سربازی، رخس همّت تاخته، بقای دولت ابدقرین و نیکو نامی ولی نعمت عالمین را مَطْمَح اندیشه و نصب العین خویش ساخته‌اند تا به سرکاری آن مخلص بلاشتباه، مسجد و مدرسه منصوبه به شیخ مغفور میروار شیخ لطف الله که واقعد در مقابل درگاه عالم‌پناه و عمارت آنها، در حقیقت باعث رفعت بنای شامخ‌البنیان دین و ایمان است. و از جمله مساجد و مدارس که مزید شرف بی‌آغاز و انجام، امتیاز تمام و اختصاص مالا کلام دارند، تعمیر و ترمیم شود و این غریق بحر بی‌کران عصیان ابن‌المنتقل الی جوار القدس، کلبعلی تبریزی - قدس الله نفسه - محمد زمان از جمله زاویه‌نشینان آن مدرسه مبارکه بود، به خاطر فاطر خطوط نمود که از برای شکرگزاری این نعمت عظمی و موهبت کبری، رساله بنویسد به لغت فارسی مسمی به فوائد الفوائد در احوال مدارس و مساجد، تا سائرالناس نیز از خاص و عام، به ترمیم و تعمیر آنها رغبت نموده، بهره تمام ببرند. و ثواب آن به روزگار فرخنده آثار آن شهریار کامکار - خلد الله ملکه الی آخر الأبد - واصل و عاید گردد. و امیدواری به کرم بلانهایت حضرت باری آن است که هرگاه، به نظر کیمیا اثر آن سلطان بختیار ذی‌شأن که همواره در صدد تعمیر خانه دین و ایمان و ترمیم کعبه قلوب دلشکستگانند برسد، این دلشکسته حزین را نیز از نظر فیض قرینش محروم نسازد.»

مؤلف در جای دیگری از کتاب خود، نام شماری از علما و فضایی را که زمانی در این مدرسه سکونت داشته‌اند آورده است. از جمله به محمد باقر خاتون‌آبادی اشاره کرده و

می‌گوید که خود او فعلاً در حجره‌ای که پیش از آن خاتون‌آبادی در آن بوده، به سر می‌برد. باید دانست که در حال حاضر اثری از این مدرسه وجود ندارد و نگارنده با کوششی که برای یافتن آثاری از این مدرسه کرد، نتوانست شاهدهی بر وجود آن به دست آورد. تنها در حاشیه مسجد شیخ لطف‌الله، مدرسه ابتدایی‌ای وجود دارد که به گفته برخی از پیران آن حدود، زمانی تکیه بوده و در سال ۱۳۲۵ شمسی از طرف اوقاف در اختیار آموزش و پرورش قرار گرفته است.

محمد زمان در مورد دیگری از دانش خویش با تواضع سخن گفته و آورده است که محسود دیگران واقع شده است؛ او با اشاره به رنج‌ها و تعب‌هایی که علما کشیده‌اند، درباره خود می‌گوید: «و این کمینه، که الحمد و المنة محسود طلبه‌ام، و لیس الخبر کالمعاینه، اگر چنانچه آنچه به این فقیر وارد شده نقل کنم، باید که کتاب علی حده بنویسم».

وی در دو مورد، اشعاری نیز از خود نقل کرده است که نشان از ذوق شعری او دارد. با این حال، تخصص او همانند دیگر علمای هم‌روزگارش، فقه و اصول و حدیث است. وی در این اثر دیدگاه‌های خود را درباره مسائل مورد بحث زمان خویش که بحث عرفان و تصوف و اخباریگری بوده آورده است. طبیعی است که در این مقدمه نمی‌توان آنچه او در این باره آورده بیان کرد. اما شاید این اشاره مفید باشد که مؤلف برعکس گرایش رایج استادش، علامه مجلسی، به ریاضت و زهد علاقه‌مند است و از افراطی که استادش در رد فیلسوفانی چون ابن سینا دارد، راضی نیست. وی همچنین به شیخ علی، نواده شهید ثانی، که در کتاب درالمتنوش به غزالی تاخته اعتراض می‌کند. محمد زمان از فیض متأثر است و افزون بر استفاده مکرر از وافی، از آثار دیگر او، بدون آنکه تصریح کند، استفاده کرده است. علاوه بر این، او خلاصه‌الاذکار فیض را نیز به فارسی در آورده و در همین کتاب از این ترجمه خود یاد کرده است. با این حال، محمد زمان به درویشان و صوفیان بازاری تاخته و به هیچ روی نمی‌خواهد تا با دفاع از انزوا و گوشه‌نشینی، مروج و یا مدافع عقاید صوفیان شناخته شود. به هر روی، اثر حاضر، آگاهی‌های تازه‌ای درباره نزاع میان فقیهان و صوفیان و نیز جریان‌ات اخباریگری در آخرین دوره صفوی دارد.

## آثار مؤلف

آنچه از آثار مؤلف می‌شناسیم، بجز یکی دو مورد، همان‌هاست که خود در فرائد از آنها یاد کرده است. فهرست آثار وی از این قرار است:

۱. فرائدالفوائد در احوال مدارس و مساجد؛ این کتاب همین اثر حاضر است که در ادامه درباره آن توضیح مختصری خواهیم داشت.

۲. المسعار فی الاسعار؛ رساله‌ای است درباره توجیه دینی تنزل و ترقی قیمت‌ها. این رساله در پی قحطی و گرانی سال ۱۱۲۷ در اصفهان نگاشته شده است. مؤلف هنگام تألیف آن در مدرسه شیخ لطف الله سکونت داشته است. نسخه‌ای از این رساله، که در کتابخانه مرحوم آیت‌الله صفایی خوانساری بوده، اکنون به کتابخانه آستان قدس منتقل شده و در فهرست کتاب‌های مزبور (از آقای استادی) ص ۲۱۸ معرفی شده است.

۳. مجموعه جُبه؛ محمد زمان در دو مورد در فرائد از این اثر خود، که احتمالاً اثری کشکولی است، یاد کرده است. درروضات (چاپ حروفی) «خبیثه» ضبط شده که قاعدتاً باید تصحیفی در آن صورت گرفته باشد.

۴. شرح زبدة الاصول شیخ بهایی؛ مؤلف از این کتاب خود نیز در فرائد یاد کرده است.

۵. تعلیقات اصول کافی؛ افزون بر آنکه مؤلف در فرائد از این تألیف خود یاد کرده، به نقل آقا بزرگ، شهید سید میرزا مهدی بن هدایه الله موسوی اصفهانی خراسانی (شهید به سال ۱۲۱۸) در برخی از تعلیقات خود بر کافی، از این کتاب بهره گرفته است. همان شهید، درباره محمد زمان گفته است که او از شاگردان محمد صالح خاتون‌آبادی و معاصر فاضل هندی بوده است (نک: ذریعه، ج ۱۳، ص ۹۷).

۶. ترجمه خلاصة الاذکار؛ از این اثر نیز در فرائد یاد شده است.

۷. حاشیه در اصول؛ محمد زمان از این اثر خود یاد کرده اما توضیحی درباره آن نداده است. شیخ آقا بزرگ در ذریعه (ج ۱۰، ص ۱۱۷) عنوان کتاب رجال مولی محمد زمان را نیز آورده است. این کتاب، چیزی جز فرائد نیست و دلیل ذکر آن با این عنوان، آن است که مؤلف نام

شماری از عالمان دوره صفوی را، به مناسبت سکونتشان در مدرسه شیخ لطف‌الله، در این کتاب یاد کرده است.

### درباره فرائد

محمد زمان تبریزی که در مدرسه شیخ لطف‌الله سکونت داشته و به احتمال دستی نیز در اداره این مدرسه داشته، پس از تصمیم به تعمیرات مدرسه و مسجد، مصمم شده است تا کتابی درباره آداب مسجد و مدرسه در اسلام بنگارد. نگارش در این زمینه، کم و بیش در میان مسلمانان وجود داشته اما متأسفانه، چندان رایج نبوده است. البته آداب مسجد به مناسبت، در مباحث فقهی مطرح می‌شده اما به طور مستقل کمتر بدان پرداخته شده است. درباره مدرسه نیز آثاری به مناسبت تاریخ مدارس و یا آداب تعلیم و تعلم در دست است. نمونه قابل ذکر آن در شیعه، کتاب مینة المرید فی ادب المفید و المستفید از شهید ثانی است. با این حال، در ادب فارسی به این مسئله کمتر پرداخته شده؛ با این توضیحات، کتاب فرائد اثری جالب و قابل تأمل است. در میان آثار بر جای مانده دوره صفوی، به نظر می‌رسد که کتاب حاضر، گرچه از نظر علمی در حد متوسط است، اثری منحصر در موضوع خود شناخته می‌شود. با توجه به اطلاعات مختصر تاریخی موجود در این کتاب درباره برخی از مدارس و مساجد اصفهان و نیز پرداختن آن به مسائل تحصیلی و مشکلات موجود در موضوعات درسی و همچنین موضع‌گیری‌ها در برابر جریان اخباریگری و عرفان و تصوف، می‌توان به اهمیت آن، به عنوان اثری قابل ملاحظه از آن دوره، پی برد.

اثر حاضر در سال ۱۱۲۲ هجری قمری تألیف شده و علیرغم آنکه سقط آخر نسخه سبب شده تا سال تألیف یاد نشود، در متن اشاره‌ای از مؤلف می‌تواند تاریخ تألیف را نشان دهد. او با ذکر مراسم افتتاحیه مدرسه چهارباغ می‌نویسد: «و در سال سابق که هزار و صد و بیست و یک هجری باشد، روز پنجشنبه دهم شهر رجب المرجب، به طلبه عظام حجرات آن را، که یکصد و پنجاه و شش حجره باشد، به تصدیق مدرس آن افضل فضلالی زمان و اعظم علمای

دوران، ذی‌المجدین المؤید بتأییدات النشاطین شیخنا و سیدنا امیر محمدباقر الحسینی الخاتون آبادی<sup>۱</sup> - لا برح ظلّه العالی علی مفارق العالمین ما یقرن الزین مع الشین و یذکر الاثر مع العین - هر یک را فراخور نصیب و اندازه خود شققت نموده در جنّات عدن بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ ساکن فرمودند و مایحتاج هر کدام از طلبه عظام را از اخراجات یومیه و غیر آنها از کتب و قفیه و فرش مرفوعه و ظروف و آلات ضروریه و سایر رعایت‌های دیگر مرحمت نمودند تا به فراغ بال و رفاه حال به تحصیل علوم دینیّه و دعاگری دولت ابدی الاتصال اشتغال نمایند.» تاریخ یادشده نشان می‌دهد که محمد زمان یک سال بعد از آن، کتاب خود را تألیف کرده است.

کتاب در دو باب؛ یکی در «احوال مساجد» و دیگری در «احوال مدارس» تنظیم شده و خاتمه‌ای نیز در برخی از مباحث متفرق در انتها آمده است. در هر دو باب، مؤلف کوشیده است تا در برخی از فصول به بیان آداب مسجد و مدرسه پرداخته و در فصول دیگر، به شرح تاریخ برخی از مساجد مشهور و مدارس بپردازد. متأسفانه، در بخش مدارس، کار چندان جدی گرفته نشده است. می‌دانیم که عصر صفوی، همان طور که مؤلف یادآور شده، عصر رشد و گسترش تحصیلات علمی و نهضت مدرسه‌سازی در اصفهان و دیگر شهرهای مهم ایران است. طبعاً مؤلف می‌توانسته آگاهی‌های با اهمیتی را از این نهضت در اختیار ما بگذارد، اما چنین نکرده است. با این حال، همین اندازه اطلاعات، می‌تواند اثر حاضر را به عنوان منبعی برای بحث آموزش و پرورش دوره صفوی مطرح کند. به علاوه به کار تمامی علاقه‌مندان به دانستن آگاهی‌های عمومی درباره مساجد مشهور دنیای اسلام و مساجد متبرک از دیدگاه شیعه و آداب آنها می‌آید.

همان‌گونه که در ابتدای این مقال اشاره کردیم، آماده کردن این کتاب، تنها بر پایه یک نسخه بوده است. عکسی از آن نسخه توسط حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین حاج سید

۱. شرح حال وی را به تفصیل در مقدمه ترجمه اناجیل اربعه او که در سال ۱۳۷۳ در قم، به کوشش ما، نشر یافته، آورده‌ایم.

محمود مرعشی، خلف صادق حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمة الله علیه، از آلمان تهیه شده و در اختیار ما قرار گرفت. عکس دیگری نیز «دفتر نشر میراث مکتوب» در اختیار ما گذاشت که برای خواندن برخی ناخوانده‌ها مؤثر بود. طبیعی است که تصحیح بر اساس یک نسخه مشکلات خاص خود را دارد که کار ما نیز کم و بیش گرفتار آنها بوده است. گفتنی است که نسخه مزبور از ابتدای مقدمه و انتها، در حد چند سطر ناقص است.

در اینجا قدردانی خود را از کسانی که در آماده‌سازی این متن و خواندن برخی کلمات ناخوانده به بنده کمک کردند ابراز می‌کنم. پیشنهاد و تشویق دفتر نشر میراث مکتوب و پیگیری‌های دوست دانشور، جناب آقای ایرانی، سبب شد تا کار سریع‌تر آماده شود. کمک همسر در مقابله متن نیز در تسریع کار بسیار مؤثر بود. نمونه‌خوانی دوم این متن را دوستم، جناب حجت الاسلام آقای علی و رسه‌ای، عهده‌دار بودند که از ایشان نیز ممنون و سپاسگزارم.

خداوند این خدمت ناچیز علمی را از این بنده کوچک خویش بپذیرد.

رسول جعفریان

غدیر سال ۱۴۱۵ ه.ق.

۲۸ اردیبهشت سال ۱۳۷۴ ش.